

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره یازدهم - بهمن ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۷

بررسی بینامتنیت قرآنی در مقامات حمیدی

(ص ۹۱-۱۱۲)

عباس سلطانیپور^۲، حمیدرضا فرضی (نویسندهٔ مسئول)^۳، علی دهقان^۴

تاریخ دریافت مقاله: اردیبهشت ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: خرداد ۹۹

چکیده

تلاش پژوهش حاضر بر استخراج وجوه بینامتنی قرآنی در کتاب گرانسنگ مقامات حمیدی بوده است. موارد احصایی شامل هفت نوع رابطه بینامتنی مشتمل بر سه نوع واژگانی: «بینامتنیت واژگانی از نوع برآیند سازی»، «بینامتنیت واژگانی از نوع وامگیری»، «بینامتنیت واژگانی از نوع ترجمه»، و چهار نوع متنی: «بینامتنیت کامل متنی»، «بینامتنیت کامل متنی با اثرپذیری از اسلوب قرآن کریم در جمله بندی»، «بینامتنیت کامل تعدیلی» و «بینامتنیت کامل تعدیلی با اثرپذیری از اسلوب قرآن کریم در جمله بندی» بوده است. این روابط بینامتنی میزان تأثیرپذیری عبارات و جملات کتاب مذکور از مفاهیم و عبارات کتاب مقدس مسلمانان - که از دیرباز منبع الهامبخش ادبا و نویسندگان مسلمان بوده - را مشخص نموده است. مقامات حمیدی، اثر فاخر دوره‌های مصنوع و متکلف نویسی، حاوی موارد معتناهایی از عبارات عربی است که در خلال این عبارات، موارد متعددی از بهره‌گیری مستقیم و غیر مستقیم از مفاهیم و عبارات قرآنی به چشم می‌خورد. در این بررسی که به مدد تسلط سطحی نویسنده بر ظاهر قرآن کریم (حافظ قرآن) با تشخیص عبارات عربی غیر قرآنی و نیز عبارات مختلط عربی-قرآنی به صورت دقیق انجام شده است، با برشماری موارد بینامتنی قرآنی در شاخه‌های مزبور، میزان تأثیرپذیری مؤلف از قرآن کریم به تفکیک، مشخص شده و در نهایت با مقایسه فراوانی این بینامتنیها، مشخص گردید که بینامتنیت واژگانی وامگیری بیشترین، و بینامتنیت کامل تعدیلی با اثرپذیری از اسلوب قرآن کریم در جمله بندی، کمترین بسامد را در اثر قاضی حمیدالدین به خود اختصاص داده است.

واژه های کلیدی: قرآن کریم، مقامات حمیدی، «بینامتنیت واژگانی»، «بینامتنیت کامل

متنی» و «بینامتنیت کامل تعدیلی»

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران.

(stu.abbas-st@iaut.ac.ir)

۳- دانشیار رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران (farzi@iaut.ac.ir)

۴- دانشیار رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

(a_dehghan@iaut.ac.ir)

مقدمه

نگارش مقامات حمیدی به سال ۵۵۱ هجری قمری به قلم قاضی حمیدالدین با نثری فنی بوده است. «حمیدالدین مقامات خود را به پیروی از مقامات بدیع الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری و به تقلید از روش و مضامین آنها در بیست و چهار مقامه و خاتمه در ماه جمادی الآخر سال ۵۵۱ که مصادف با فصل بهار بود آغاز کرد.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، جلد ۳: ص ۹۵۷-۹۵۹) البته مؤلف مقامات «با رعایت اسلوب ساختگرایی در صنعت پردازی در داستانها یعنی رعایت تناسب بین صنایع و موضوع یک مقامه گوی سبقت را از حریری ربوده است» (تفاوت سبک شخصی مقامات حمیدی و حریری، ستوده و شهرامی: ص ۳) «در نثر قرن ششم مانند شعر، به استعمال صنایع و تکلفات صوری و سجعیهای مکرر و آوردن جمله‌های مترادف المعنی و مختلف اللفظ متوسل گردیدند و در همان حال برای اظهار فضل و اثبات عربی‌دانی، الفاظ و کلمات تازی بشمار به کار برده شد ... و تلمیحات و استدلالات از قرآن کریم، در همه آثار این قرن پدیدار آمد.» (سبک‌شناسی، بهار: ص ۲۴۸) به قول مصحح کتاب، آقای انزابی‌نژاد، «در این گونه نوشته‌ها [مقامه‌ها] نویسنده پیش از آنکه هدفی از درونمایه نوشته داشته، و بیش از آنچه محتوای اثر مورد نظر باشد، توجه به آرایه‌های صوری و ظاهری سخن دارد» (پیشگفتار مقامات حمیدی)

بینامتنیت، نظریه‌ای است که توسط ژولیا کریستوا، با الهام‌گیری و ترکیب نشانه‌شناسی سوسور و مکالمه‌گرایی باختین ابداع شده و ارتباط متنهای مختلف را باهم بررسی میکند. بررسی حضور متن غایب در متن حاضر به اشکال مستقیم و غیرمستقیم، از کارکردهای عملی این نظریه میباشد. در این مختصر کوشش شده است حضور قرآن کریم در مقامات حمیدی و نیز تأثیرپذیری مقامات حمیدی از قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته و وجوه بینامتنیت آنها واکاوی گردد. قرآن، کتاب مقدس مسلمانان به عنوان اساس تمدن اسلامی توسط نویسندگان در قرون متمادی و به‌ویژه در قرون ۵ و ۶ هجری قمری، مورد توجه ویژه بوده است. به دلیل خصوصیات منحصر به فرد قرآن کریم از جمله قابلیت تأویل فوق العاده و به قولی ذوبطون، فرازمانی و فراملیتی بودن، این کتاب آسمانی بهترین راهبرد زندگی و محل رجوع برای محققین در اعصار مختلف بوده است و در ارتباط با مقامات حمیدی، علاوه بر آن، اقتباس از نوع متکلفانه و کوششی نیز قابل ملاحظه است.

در این تحقیق کوشش میشود وجوه بینامتنیت قرآنی مورد بررسی قرار گرفته و سهم هر کدام مشخص شود. روش کار این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ فضای انجام کار، کتابخانه‌ای است. با عنایت به این که مؤلف مقامات حمیدی ابایی از استعمال سجع و موازنه، نداشته و عبارات عربی را هم شبیه به آیات قرآن در کنار هم قرار داده است، تشخیص این موارد تنها از طریق تطبیق یکایک جملات عربی با مصحف شریف امکانپذیر بوده است.

سؤال تحقیق: بیشترین بسامد روابط هفت‌گانه بینامتنی پیش‌گفته قرآن کریم در مقامات حمیدی به ترتیب کدامند؟

فرضیات تحقیق

- ۱- قاضی حمیدالدین از بینامتنیت واژگانی وامگیری بیشترین بهره را برده است.
- ۲- سعی قاضی حمیدالدین بر اظهار فضل و بیشترین نمایش استفاده از قرآن کریم بوده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقی با عنوان بینامتنیت قرآنی در مقامات حمیدی با هیچ یک از مشارب فکری (ساختارگرایانه یا پساساختارگرایانه) انجام نشده است. ولی بینامتنیت قرآنی در موارد متعددی چون ۲ نمونه زیر که دومی، در نگارش این مقاله، مورد استفاده بیشتری قرار گرفته است، مورد پژوهش قرار گرفته که به شرح زیر معرفی میشود:

«اقتباس و تضمین آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی»، عنوان مقاله‌ای است که توسط خانم مریم محمودی، به رشته تحریر درآمده و در نشریه مطالعات قرآنی در تابستان ۱۳۸۹ منتشر شده است. در این مقاله ضمن اشاره به تضمین و اقتباس و اغراض آن در تاریخ جهانگشا انواع آن را نیز از نظرگاههای متفاوت بررسی کرده است.

«بینامتنیت قرآنی در شعر محمدولی دشت بیاضی» نیز عنوان مقاله‌ای است که توسط آقایان علی اصغر حبیبی، امیر بهارلو و مهدی جوانبخت، پژوهش شده و در شماره اول دو فصلنامه پژوهشهای قرآنی در ادبیات (دانشگاه لرستان) در نیمه اول سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. در این پژوهش با تحلیل درونمایه‌های بنیادی شعر ولی دشت بیاضی و با تکیه بر انواع رابطه بینامتنی چگونگی اثرپذیری این شاعر از معانی، مفاهیم، تصاویر و ... قرآن کریم واکاوی شده است.

نظریه بینامتنیت

نظریه بینامتنیت، در نتیجه مطالعات پساساختارگرایی فرانسوی، کریستوا، درباره نظریات میخائیل باختین، نظریه پرداز و منتقد روسی، بسیار متأثر از نظریات زبانشناسی اعضای حلقه تل کل و از آن جمله رولان بارت بود. ژولیا کریستوا نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ اصطلاح بینامتنیت (Intertextualite) را برای هر نوع ارتباط میان متنهای گوناگون مطرح کرد. پس از آن ژرار ژنت با گسترش دامنه مطالعاتی کریستوا هر نوع رابطه میان یک متن با متنهای دیگر یا غیر خود را با واژه جدید ترامتنیت (Transtextualite) نام‌گذاری نمود و آن را به پنج دسته تقسیم کرد که بینامتنیت یکی از اقسام آن محسوب میشود. اقسام دیگر ترامتنیت عبارتند از: سرمتنیت (Arcitextualite)، پیرامتنیت (Paratextualite)،

فرامتنیت (Metatextualite) و بیش متنیت (Hypertextualite) که هر یک تقسیم-بندیهای دیگری را شامل میشود. از این میان بینامتنیت و بیش متنیت به رابطه میان دو متن هنری میپردازد و سایر اقسام ترامتنیت به رابطه میان یک متن و شبه متنهای مرتبط با آن توجه دارد. به عبارتی پیرامتنیت به رابطه میان یک متن و پیرامتنهای پیوسته و گسسته آن اشاره دارد. فرامتن رابطه تفسیری یک متن نسبت به متن دیگر مورد توجه قرار میدهد و سرمتنیت به رابطه میان یک متن و گونه‌ای که به آن تعلق دارد میپردازد. «ترامتنیت، مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها، نامور مطلق: ص ۸۳» «مفهوم بینامتنیت بر این اساس بنیان شده است که انسانها نمیتوانند یک متن صد در صد جدید و بکر به وجود آورند و هیچ توجه و برداشتی از متون پیشین نداشته باشند.» (روشهای ویژه سروری در شرح قرآنی مثنوی مولوی و استفاده از بینامتنیت آنها، نوریان: ص ۴۲) تأثیرپذیری متن از متون دیگر و یا به عبارتی دیگر، حضور متن الف در متن ب از لازمه‌های اجتناب ناپذیر زبانی بوده است. با گسترش مطالعات ادبی، بررسی این تأثیرپذیریها به اشکال مختلف صورت پذیرفته است. این بررسیها تا جایی پیش رفته که: «یکی از طرفدارترین حوزه‌ها و زمینه‌های تحقیق در ادبیات تطبیقی، بررسی ارتباط متون با یکدیگر است» (ادبیات تطبیقی، تعریف و زمینه‌های پژوهش، نظری منظم: ص ۲۳-۲۵) در خصوص بینامتنیت که مفصل بحث میشود لیکن در خصوص بیش متنیت که موضوعیت ویژه‌ای در این تحقیق دارد، «برگرفتنی یا اشتقاق، رابطه‌ای هدفمند و نیت‌مندانه است که موجب میشود بیش متن بر اساس پیش متن شکل بگیرد» (گونه‌شناسی بیش متنی، نامور مطلق: ص ۱۴۶)

در میان دو سوی اختلاف موجود در بینامتنیت، میتوان نظریات لوران ژنی را نیز به عنوان حد وسط در نظر گرفت: «اگر کریستوا به طور کلی موضوع توجه به منبع در بینامتنیت را انکار میکند، در مقابل روابط بینامتنی از نظر ژنت بر اساس همین مرجع‌شناسی و منبع متنی تعریف میشود و این در حالی است که ژنی به بینامتنی نرم به عنوان حد وسط این دو نظر قائل است» (درآمدی بر بینامتنیت، نامور مطلق: ص ۲۵۳) «اینکه منتقدان پس‌اساختارگرا اصطلاح بینامتنیت را برای برهم زدن تصورات موجود از معنا به کار میگیرند، در حالی که منتقدان ساختارگرایی چون ژرار ژنت همین اصطلاح را برای تعیین و حتی تثبیت معنای ادبی مورد استفاده قرار داده‌اند، خود گواه بسنده‌ای بر انعطاف‌پذیری چنین مفهومی است.» (بینامتنیت، آلن: ص ۱۵)

نظرات باختین، پیش مقدمه‌ای بر تولد این نظریه بوده است: «از نظرگاه باختین، همه کلمات به دیگران تعلق دارند. کلمات از فردی به فرد دیگر دست به دست میشود و رایحه صاحب قبلی‌اش را هرگز از دست نمیدهد» (میخائیل باختین، زندگی، اندیشه و مفاهیم بنیادین، غلامحسین زاده و همکاران: ص ۷۶) «تودوروف نیز مهمترین وجه گفته، یا دست کم

نادیده‌انگاشته‌ترین وجه آن را بعد بینامتنی آن دانسته و میگوید پس از آدم، دیگر هیچ شیء بی‌نام، و هیچ کلام به‌کاررفته‌یی وجود ندارد» (بینامتنیت، آلن: ص ۴۵ و ۴۷) بارت به وضوح این موضوع را اعلام میکند و مینویسد «هر متنی بینامتن است» این موضوع موجب تمایز بینامتنیت کریستوایی از ترامنتیت ژنتی میشود. زیرا ژنت به صراحت در جستجوی روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز هست. (ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها، نامور مطلق: ص ۸۶ و ۸۷)

به دلیل جایگاه والای قرآن کریم به عنوان منبع غنی عقلی نزد مسلمانان، همواره ارتباط بینامتنی آثار و نوشته‌های مسلمانان با قرآن کریم به صورت تأثیرپذیری مشتاقانه بوده است. البته این تأثیرپذیری همواره ارادی و با علاقه نبوده و چه بسا در برخی موارد نیز غیر ارادی و ناشی از سبک زندگی اسلامی مؤلفین بوده است. البته در موارد غیر قابل احصاء و البته قابل حدس، پرداخت کوششی و متکلفانه و به شکل اظهار فضل و حتی ظاهرسازی و ریاکاری نیز دور از ذهن نمیباشد.

بینامتنیت قرآنی در مقامات حمیدی

۱- بینامتنیت واژگانی

هرگاه نویسنده در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیبها وام‌دار متن غایب و در اینجا قرآن کریم باشد، یعنی واژه‌ها و ترکیبهایی را بیاورد که ریشه قرآنی دارند، و مستقیم یا غیر مستقیم توسط خود نویسنده یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته باشند، و اگر قرآن نمی‌بود، زبان و ادب ما نیز از آن واژه‌ها و ترکیبها، یا به طور کلی و یا با معنی ویژه اسلامی آنها بی‌بهره می‌بود، رابطه ایجاد شده بین متن حاضر و متن غایب، رابطه بینامتنی واژگانی نمیباشد. بینامتنیت یا اثرپذیری واژگانی به سه شیوه برآیندسازی، وام‌گیری و ترجمه بخش-پذیر است. (ر.ک: تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، راستگو: ص ۱۵) این واژگان بسیار پرسامد به گونه‌ای است که میتوان آنها را مختص متن غایب یا همان پیش‌متن دانست. مثلاً گفته شود فلان واژه از قرآن کریم است.

۱-۱- برآیندسازی

هرگاه واژه یا ترکیبی بی‌آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در متن غایب، در اینجا قرآن آمده باشد، بر پایه مضمون آیه‌ای یا داستان قرآنی ساخته میشود، به دیگر سخن، چنین واژه یا ترکیبی برآیند و فرآورده‌ای است از آن متن غایب، در اینجا آیه قرآنی؛ برای نمونه پیر/هن یوسف با بسامدی فراوان در زبان فارسی برآیندی از آیات ۹۳ تا ۹۶ سوره یوسف است و عصای موسی نیز ترکیبی قرآنی است که از آیات قرآنی اعراف ۱۰۷ و شعراء ۳۲ برآیندسازی شده است. این استفاده‌ها یا به عبارتی تأثیرپذیریها، ارتباطی بینامتنی بین متن حاضر و متن غایب (قرآن کریم) ایجاد نموده که با عنوان بینامتنی برآیندسازی تعبیر

میشود. (ر.ک: همان، ص ۱۷-۳۰) عین این واژگان یا ترکیبها در قرآن کریم نیامده ولی فرآورده و فرآورده جدیدی است که به طور قطع از واژه‌های موجود در متن قرآن کریم به وجود آمده است.

عبارت	مقامات حمیدی	استعمال در قرآن	توضیحات
نزغات شیطانی	ص ۶۹	يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعًا: اعراف ۲۰۰، فصلت ۳۶ نَزَعَ الشَّيْطَانَ: يوسف ۱۰۰، الشَّيْطَانُ يَنْزَعُ: اسراء ۵۳	
قضا	ص ۸۰	قضاها: يوسف ۶۸ قضاهنّ: فصلت ۱۲	
المُجِدِّ	ص ۹۳	يُجِدُّونَ: اعراف ۱۸۰، نحل ۱۰۳، فصلت ۴۰	
مکّه	ص ۱۶۳/۹۳	بکّه: آل عمران ۹۶	
طواف	ص ۱۶۷/۱۵۵/۹۴	طائفین: بقره ۱۲۵، حج ۲۶	
عقل سلیم	ص ۹۷	قلب سلیم: شعراء ۸۹، صافات ۸۴	
سلیمی عقل	ص ۱۶۲		
به حدقه اعتبار نوشتن	ص ۱۲۰	فاعتبروا یا اولی الابصار: حشر ۲	
طرف اعتبار	ص ۱۳۳		
نظراعتبار	ص ۱۶۶		
مَحْرَمٌ	ص ۱۵۵	حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ: امهاتکم و ... (اشخاصی که برای انسان محرم هستند، مادر و دختر و خواهر و ..) را بیان میکند.	محرّم: بقره ۸۵، انعام ۱۳۹ که در مفهومی غیر از مفهوم رایج میباشد.
محرّمات	ص ۱۶۷	مَحْرَمٌ در ادبیات و ... نیز به اشخاص نزدیک و خودی میگویند.	
الد فی الخصام	ص ۱۵۷	الد الخصام: بقره ۲۰۴	
مستغفر	ص ۱۷۶	مستغفرین: آل عمران ۱۷	
خلافت	ص ۲۱۰/۲۰۹	خليفة: بقره ۳۰، ص ۲۶	

موارد دیگر:

وفا، ملاحی، معراج، سنت المرسلین، سنت الرسول، حبل المسد، فقیهان، عدالت، خاتم انبیا، فرض، مجاهدان، ثواقب، مسبحان، حرص، مناهی، نواهی، اجابت، حاجیان، حاجی، ایام معدود، احتجاج، کبیره، مجاهده، جنت عدن، دارین، دو عالم، جبرئیل، سنی، مشاعر، بلد الحرام، مدت نوح، ولا، ولایت، الباقی، فجر، اعجاز، سید عالم، توکل، توسل، اخلاص، ملک سلیمان، رضا، معتکفان، حساد، شکرانه، تکبیر، انتظار، بخیل، بیت الله، واعظ، متفاخر، عباده، چرخ، هفتمین، صفائر، بیت المقدس، آثام، نحوس، قصور عالیه، مصایب، شهید، سجده، أسرار، عروه احکم، حجب، امامت، تدبیر، تدبیر، عترت، ایزد تعالی

۲-۱- وام‌گیری

در مواردی که واژه یا ترکیبی قرآنی با همان ساختار عربی خود، بی هیچ دگرگونی، یا با اندک دگرگونی لفظی یا معنوی، بی‌آنکه ساختار عربی آن آسیبی ببیند، به زبان و ادب فارسی راه یابد؛ ارتباط ایجاد شده بین متن حاضر و متن غایب (قرآن کریم) را بینامتنی واژگانی وام‌گیری مینامیم. واژه‌ها و ترکیباتی چون: مهاجرین و انصار، سجود، حلال، و ... مواردی است که به طور قطع از متن غایب (قرآن کریم) اخذ شده و بدون تغییر در متن مقامات حمیدی آمده است. (ر.ک: همان: ص ۱۶) واژه‌هایی که در متن حاضر، عین واژه مختص قرآن کریم و بدون تغییر استفاده شده است، با عنوان وام‌گیری معرفی شده است.

عبارت	استعمال در مقامات حمیدی	استعمال در قرآن	توضیحات
صرح ممرد	ص ۲۱	نمل ۴۴	
توفیق	ص ۹۷/۲۳/۲۲	نساء ۶۲، هود ۸۸	
حلال	ص ۳۹	۶ مورد از جمله: بقره ۱۶۸، مائده ۸۸، انفال ۶۹ و ...	
نذر	ص ۷۳	بقره ۲۷۰ و اعراف ۷۰	
نفاق	ص ۸۰	توبه ۷۷ و ۹۷ و ۱۰۱	
اهل التقوی	ص ۹۶	مدثر ۵۶	
حَرَم	ص ۱۶۷/۱۶۳/۱۲۴	حَرَم: مائده ۹۵ و ۱	
استکبار	ص ۱۴۲	فاطر ۴۳، نوح ۷	
کبائر	ص ۱۶۷/۱۴۲	نساء ۳۱، شوری ۳۷، نجم ۳۲	
توبه	ص ۱۴۲	نساء ۱۷ و ۱۸	

فته	ص ۱۹۸/۱۵۲	۳۰ مورد از جمله: بقره ۱۰۲ و ۱۹۱ و ۱۹۳ و ...
امام	ص ۲۰۷ و ۲۰۰ و ۲۰۹	۷ مورد از جمله: بقره ۱۲۴، هود ۱۷، حجر ۷۹ و ...
<p>موارد دیگر:</p> <p>مهاجرین و انصار، سجود، ایمان، سید، شفیق، رضوان، مغفرت، فضل، أولوا آلالباب، مساجد، مسلمین، مومنین، رب المنون، و السلام، ذلت، نوح، محمد، لقمان، آدم، هادی، یقین، الرحمن، شیطان، صواب، مبارک، حج، جهاد، اسلام، مشعر، مجاهدین، صرصر، اجل، ابتر، ملکوت السموات و الارض، و جل، غرور، سرور، میعاد، سنت، يوم القيامة، بعدالمشرقین، صبر، اخیار، حور، جنات، غرفات، مبلسین، حرام، قرآن مجید، الراسخون فی العلم، اغنیاء من التعفف، جنت، جنات عدن، ذریت آدم، سلاسل، ضلالت، دلوک، رسول، عرفات، ربّ، کعبه، حق، اهل بیت، باطل، تسبیح، تنزیل، استغفار، روح، بشیر، نذیر، عرش، محراب، صلوات، مسجد، طوبی، کرسی، ابلیس، خائن، صادق، حجاب، قربان، بلا، لعن، امّ القری، الزّانی، حور مقصورات، ابرار، مصیبت، سخط، مریب، شکر، مظلوم، عین الیقین، نکال، انکال، منکر، سدره، جنت المأوی، مثنوی، ترتیل، تقوی، نبوت، مهتدی، آخرت، شهداء، عابد، حورالعین، دنیا، قبله، روضات جنات، برکات، شعرا الحرام، انبیاء، خطیئات، صدق، حسد، نحس، حاسد، خیانت، آمین، غفلت، معشر، قواریر، زمهریر، اصحاب الجحیم، اذان، امت، زفیر، ربّ العالمین، خلیفه</p>		

۳-۱- ترجمه

هرگاه خالق اثر ادبی از گردانیده فارسی یا پارسی شده^۱ واژه یا ترکیبی از متن غایب (در اینجا قرآن) بهره گیرد، ارتباطی بینامتنی بین متون حاضر و غایب ایجاد میشود که بدان ارتباط بینامتنی واژگانی ترجمه گوئیم. واژه نماز، همان صلاة قرآن میباشد، راه حق ترجمه سبیل الله، بندگی و رب پرستی ترجمه عبادت، شکرانه ترجمه شکر، راستگوی ترجمه صادق، مسلمانان فارسی شده مسلمون، دوزخ فارسی جهنم، سجده گاه ترجمه مسجد، قرآن عربی همان قرآناً عربیاً، حسود ترجمه حاسد و موارد دیگر در شاخه ترجمه از بینامتنیت واژگانی قرآن کریم در مقامات حمیدی است. (ر.ک: تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، راستگو: ص ۱۷)

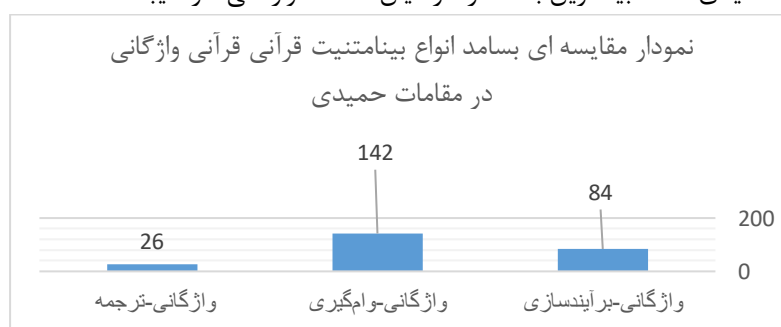
در واقع مواردی که واژه‌های عینا از قرآن استفاده شده ولی با زبانی دیگر و به عبارتی برگردان و ترجمه واژه میباشد، در تقسیم‌بندی ترجمه قرار میگیرد.

۱- پارسی شده، یعنی این که واژه یا ترکیبی عربی، جامه پارسی بپوشد، و با بیرون آمدن از ساختار ویژه عربی خود، که ناگزیر با پاره‌ای دگرگونیها همراه است، ساختاری فارسی بپذیرد.

عبارت	استعمال در مقامات حمیدی	استعمال در قرآن	توضیحات
گناه	ص ۱۰۶/۲۰	اثم ۳۵ مورد از جمله: بقره ۸۵ و ۱۷۳ و ۱۸۱ و ... سیئه ۲۲ مورد از جمله: بقره ۸۱، آل عمران ۱۲۰، نساء ۷۸ و ... خَطِيئَةٌ: نساء ۱۱۲	
نماز	ص ۱۸۰/۱۲۳/۱۲۱/۹۹/۷۳/۷۰	صلاة ۶۶ مورد از جمله: بقره ۳ و ۴۳ و ۴۵ و ...	
فردوس	ص ۱۷۴	جنت ۶۶ مورد از جمله: بقره ۳۵ و ۸۲ و ۱۱۱ و ...	
پیشوا	ص ۲۰۱/۱۹۸	۷ مورد از جمله: بقره ۱۲۴، هود ۱۷، حجر ۷۹ و ...	امام
ایزد تعالی	ص ۲۱۵	کبیر المتعال: رعد ۹	

موارد دیگر:
راه حق، دست بخشنده، پنجه گشاده، بندگی، میقاتی معلوم، شکرانه، راستگوی،
مروری سحابی، مسلمانان، بهشت، تجاوز حدود، واجب، روضه‌های بهشت، دوزخ، سجده‌گاه،
رب پرستی، طوآف، طالع، خلد برین، قرآن عربی، حسود

حضور واژگان متن غایب (قرآن کریم) در متن حاضر (مقامات حمیدی) به صورت کم نظیری پرتعداد می‌باشد. واژگان از نوع وام‌گیری که همان حضور عین عبارت قرآنی در مقامات حمیدی است، بیشترین بسامد را در میان سه‌گانه واژگانی دارا می‌باشد.



۲- بینامتنیت کامل متنی

هنگامی که گزاره کامل و مستقلی از متن غایب (در اینجا قرآن کریم) در متن حاضر گنجانده شود و دقیقاً همان متن اصلی بدون افزایش و یا کم و کاستی در سیاق اولیه و

اصلی‌اش توسط خالق متن حاضر (پسامتن) به کار رود، خواه این متن یک بیت یا یک مصرع یا قصیده و یا جمله‌ای نثری باشد. (أشكال التناسل الشعرى البياتى نموذجاً، طعمه حلبی: ص ۶۱) و یا این که آیه‌ای از قرآن کریم، در متن حاضر استفاده شود، در شاخه بینامتنیت کامل متنی قرار می‌گیرد. جملاتی از قرآن کریم که عیناً در متن مقامات حمیدی آمده است، به عنوان بینامتنیت کامل متنی معرفی می‌شود. انواع اقتباس و تضمین که با هدف تیرک، تبیین، تعلیل، استشهاد، فضل‌فروشی، هنرنمایی و ... معمولاً در آثار وجود دارند، در این بخش از تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد. (ر.ک: تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، راستگو: ص ۳۰) در تفاوت اقتباس با تلمیح آمده است: «فرق اقتباس و تلمیح در این است که تلمیح عبارت از این است که در ضمن کلام اشارتی لطیف به آیه قرآن یا حدیث یا مثل سایر یا داستان یا شعری معروف کنند ولی عین آن را نیاورند، اما در اقتباس شرط است که عین عبارت مورد نظر درج، یا قسمتی از آن را که حاکی و دلیل بر تمام جمله اقتباس شده باشد بیاورند» (تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، حلبی: ص ۷۰)

قرآن کریم (متن غایب- پیش‌متن)	مقامات حمیدی (متن حاضر- پسامتن)	تحلیل بینامتنی
«بسم الله الرحمن الرحيم» ﴿۱۱۳﴾ بار در ابتدای سوره‌ها به جز سوره توبه و ۱ بار نیز در میانه آیه ۳۰ سوره نمل، جمعا به تعداد ۱۱۴ بار آمده است. ﴿﴾	ابتدای مقدمه کتاب (ص ۱۹) بسم الله (ص ۱۲۹)	بر شروع هر عملی با ذکر این عبارت تأکید شده است. حتی در خصوص ذبح حیوانات نیز در آیات ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۲۱ سوره انعام با تأکید بر خوردن صرفاً گوشت حیوانی که سرش با ذکر نام خدا بریده شده، عمل خلاف این دستور برابر فسق معرفی شده است.
يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿مریم ۱۲﴾	اگر بزرگتری، سبب نجات و رفع درجات بودی، عیسی دوزوزه بر تخت نبوت یحیی زکریا ننشستی وَاَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (ص ۳۳)	آوردن عین عبارت قرآنی بدون هیچ تغییری و با لطافت ویژه‌ای به برتری حکمت و دانش بر سن و سال تأکید کرده است.
صَبَّغَهُ اللَّهُ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ	غلام آنم که چون در بساط	عبارت مشخص شده در

متن حاضر، عین عبارت قرآنی است.	بو قلمون بر بسیط هامون نظاره کند، بداند که این کسوت شریف طراز صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً دارد. (ص ۴۷)	اللَّهُ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿بقره ۱۳۸﴾
عبارت متن حاضر، عین عبارت قرآنی است.	هر بالای کوتاه بدان در و درگاه نرسد. إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ (ص ۸۸)	إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ ﴿شعراء ۲۱۲﴾
عبارت مشخص شده در متون غایب و حاضر، عین هم است.	باز مؤدب شرع میفرماید: قَمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ (ص ۹۹)	قَمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿مزم ۲﴾ نِصْفَهُ أَوْ أَنْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿مزم ۳﴾
عبارت مشخص شده در دو متن غایب و حاضر، یکسان است.	قوله تعالی: لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمٌ يُؤَمِّدُ شَأْنَ يَغْنِيهِ (ص ۲۰۰)	لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمٌ يُؤَمِّدُ شَأْنَ يَغْنِيهِ ﴿عبس ۳۷﴾
<p>موارد دیگر:</p> <p>﴿روم ۵۰﴾ در (ص ۴۵ و ۴۶)، ﴿یس ۷۹﴾ در (ص ۴۶)، ﴿اعراف ۱۸۵﴾ در (ص ۴۶)، ﴿اعلی ۷﴾ در (ص ۶۷)، ﴿طه ۱۲۱﴾ در (ص ۸۶)، ﴿ق ۳۷﴾ در (ص ۸۸)، ﴿اعراف ۱۷۲﴾ در (ص ۸۸)، ﴿نساء ۱۳۴﴾ در (ص ۸۸)، ﴿ص ۲۴﴾ در (ص ۸۹)، ﴿نمل ۲۲﴾ در (ص ۸۹)، ﴿بقره ۸۸﴾ در (ص ۸۹)، ﴿مائده ۸۳﴾ در (ص ۸۹)، ﴿انفال ۴۲﴾ در (ص ۹۵)، ﴿طه ۴۷﴾ در (ص ۹۶)، ﴿اسراء ۷۹﴾ در (ص ۹۹)، ﴿لقمان ۱۹﴾ در (ص ۱۰۰)، ﴿ذاریات ۴۷﴾ در (ص ۱۰۱)، ﴿اسراء ۸۱﴾ در (ص ۱۰۲)، ﴿نجم ۳۱﴾ در (ص ۱۰۶ و ۱۰۷)، ﴿قصص ۲۴﴾ در (ص ۱۰۷)، ﴿نساء ۱۱۳﴾ در (ص ۱۱۹)، ﴿بقره ۳۱﴾ در (ص ۱۱۹)، ﴿کهف ۶۵﴾ در (ص ۱۲۰)، ﴿اسراء ۸۵﴾ در (ص ۱۲۰)، ﴿عنکبوت ۴۱﴾ در (ص ۱۲۲)، ﴿زخرف ۱۳﴾ در (ص ۱۲۲)، ﴿اسراء ۱﴾ در (ص ۱۳۱)، ﴿کهف ۷۸﴾ در (ص ۱۳۱)، ﴿نساء ۴۰﴾ در (ص ۱۴۵)، ﴿طه ۱۰﴾ در (ص ۱۲۶)، ﴿مائده ۲۷﴾ در (ص ۱۵۲)، ﴿یوسف ۱۰۸﴾ در (ص ۱۶۱)، ﴿فرقان ۶۱﴾ در (ص ۱۸۱)، ﴿آل عمران ۱۹۰﴾ در (ص ۱۸۱ و ۱۸۲)، ﴿حجر ۱۶﴾ در (ص ۱۸۲)، ﴿ذاریات ۲۱﴾ در (ص ۱۸۵)، ﴿روم ۲۲﴾ در (ص ۱۸۶ و ۱۸۷)، ﴿اسراء ۸۸﴾ در (ص ۱۹۲)، ﴿نجم ۴﴾ در (ص ۱۹۲)، ﴿بقره ۱۵۶﴾ در (ص ۱۹۸)، ﴿آل عمران ۱۴۴﴾ در (ص ۱۹۹)، ﴿زمر ۳۰﴾ در (ص ۱۹۹)، ﴿عبس ۳۷﴾ در (ص ۲۰۰)، ﴿مائده ۱۷﴾ در (ص ۲۰۶)</p>		

۱-۲- بینامتنیت کامل متنی با اثرپذیری از اسلوب قرآن کریم در جمله بندی

مؤلف مقامات حمیدی برای ایجاد توازن و هم وزنی بین عبارت خودش و عین عبارت قرآنی، سبکی را ایجاد کرده است. بدین شرح که در قبل یا بعد از عبارت قرآنی جمله یا جملاتی به سبک و سیاق و هم وزن و قافیه با عبارت قرآنی آورده است. از بین موارد احصایی نمونه‌های زیر انتخاب گردیده است.

قرآن کریم (متن غایب- پیش‌متن)	مقامات حمیدی (متن حاضر- پس‌متن)	تحلیل بینامتنی
أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿اعراف ۶۸﴾	فاستمعوا يا رُفَقَةُ الْمُسْلِمِينَ وَ نُخَيْةَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ أَكْغُوشَ كَنِيدِ اِي يَارَانِ مُسْلِمَانِ وَ مُؤْمِنِينَ بَرِگَزِيدِه، كِه مِنْ بَرَايِ شَمَا نَصِيحَتِ كِنِنْدِه مَوْرِدِ اِعْتِمَادِي هِسْتِم. (اص ۲۶)	عبارت قرآنی با اندکی تغییر («ف» به جای «و») در اینجا ذکر شده است. و بر وزن این عبارت ۲ جمله دیگر قبل از بر وزن این عبارت آن آورده است.
وَأَخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرَ مَنْ آَلَّهِ وَفَتَحَ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿ص ۱۳﴾	فَإِنَّمَا الْحَرْبُ سِجَالُ الْقَلِيبِ / فَإِنَّ عَوْنَ اللَّهِ نِعْمَ الرَّقِيبِ / نَصْرٌ مِّنْ آَلَلِهِ وَفَتَحَ قَرِيبٌ (۴۲)	عین عبارت قرآنی، مصراع آخر این شعر ۶ بیتی انتخاب شده و ۲ عبارت هم وزن و سیاق با این عبارت قرآنی، به عنوان مصراعهای دوم ابیات به کار رفته است.
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا ﴿احزاب ۲۳﴾	فَمِنْهُمْ مِنْ يَرْتِي وَ مِنْهُمْ مَنْ يَفْتَخِرُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَخْدَلُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَصِرُ وَ مِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ (ص ۴۳)	عبارت مشترک متون غایب و حاضر، با مقدار اندکی اختلاف (تبدیل است ولی ۴ جمله اسمیه - ای که بر سیاق و هم قافیه با این عبارت، توازنی در کلام ایجاد نموده است.
إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْخَرَاتٌ بِأَمْرِهَ أَلَا	در یک جوهر، استعداد خلّ و خمر دارد و بر یک شاخ اجتماع خار و تمر بی ارادت زید و عمرو دلیل است بر وجود آن که لهُ الْخَلْقِ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (ص ۴۵)	علاوه بر آوردن عین عبارت قرآنی، آوردن واژه‌هایی متناسب با واژه‌های قرآن، در اینجا مشهود است: «خلّ و خمر»، «خار و تمر» و «زید و عمرو» در

<p>متن حاضر بر سیاق «خلق و امر» در متن غایب آمده است.</p>		<p>لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿اعراف ۵۴﴾</p>
<p>عبارات متن غایب و دو متن حاضر، بدون تغییر، عین هم است و هر دو جمله قبل از این عبارت، بر سیاق آن فعل امر و هم قافیه با آن آمده است.</p>	<p>فابسط لنا هذا البساط وَاَهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (این بساط را برای ما بگستر و ...) (ص ۵۷) / أَلْقِنَا فِي سُلُوكِ هَذَا السِّبْاطِ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (ص ۱۲۹)</p>	<p>إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿ص ۲۲﴾</p>
<p>قسمت ابتدایی عبارت، از خود مؤلف است. هر چند که برگرفته از مفاهیم قرآنی است لیکن برای هم وزن شدن با ۲ قسمت بعدی، تلاش شده است که واژه‌های هم‌وزن با یُرید (مزید) آورده شود.</p>	<p>بسم الله الَّذِي لَيْسَ عَلَى حِكْمِهِ مَزِيدٌ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (ص ۱۳۷)</p>	<p>قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَآمَرْتَنِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿آل عمران ۴۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحْلَى الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿مائده ۱﴾</p>
<p>عبارت مشخص شده متون حاضر و غایب، عین هم و ۲ شبه جمله قبلی متن حاضر بر وزن و سیاق عبارت قرآنی آمده است.</p>	<p>گفت: ای کذاب لثیم و ای نمام زنیم سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (ص ۱۵۹)</p>	<p>وَأُولَئِكَ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ ﴿نور ۱۶﴾</p>
<p>در این عبارت، علاوه بر آوردن عین عبارت از متن قرآن کریم، واژه‌های حاضر بر سیاق و وزن «طعام» متن غایب آمده است.</p>	<p>این نکبتی است در ذریت آدم علیه السلام عام، وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ (ص ۱۷۴)</p>	<p>وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿انبیاء ۸﴾</p>
<p>موارد دیگر: ﴿بقره ۱۶۳﴾ و ﴿رعد ۹﴾ در (ص ۱۹)، ﴿آل عمران ۱۷۳﴾ در (ص ۲۳)، ﴿انفال ۴۶﴾ در (ص ۴۱)، ﴿بقره ۱۵۳﴾ در (ص ۴۲)، ﴿ابراهیم ۱۹﴾ و ﴿ابراهیم ۲۰﴾ در (ص ۴۶)، ﴿حشر ۲﴾ در (ص ۵۰)، ﴿قصص ۷۷﴾ در (ص ۵۷)، ﴿بقره ۲۶۱﴾ در (ص ۱۰۸ و ۱۰۹)، ﴿بقره ۲۷۳﴾ در (ص ۱۶۴)،</p>		

﴿آل عمران ۱۰۲﴾ در (ص ۱۷۵)، ﴿انعام ۹۶﴾ در (ص ۱۸۴)، ﴿یوسف ۷۶﴾ در (ص ۱۸۷ و ۲۱۴)، ﴿صافات ۱۶۴﴾ در (ص ۲۰۶)

مؤلف مقامات حمیدی موارد معتناهی از عین عبارت قرآنی را در جای جای این اثر وارد متن حاضر نموده است.

۳- بینامتنیت کامل تعدیلی

زمانی که خالق اثر ادبی به گزاره کامل و مستقلی از متن غایب (در اینجا قرآن کریم) تکیه دارد و این گزاره را از سیاق اولیه‌اش جدا کرده و بعد از اعمال برخی ساختارشنکبهای ساده و یا پیچیده، همچون پس و پیش کردن اجزاء، کم و زیاد نمودن، تغییر زمان و صیغه افعال، تبدیل جملات خبری به انشایی و برعکس، آن گزاره را درون متن حاضر قرار میدهد و به عبارات جدیدی دست می‌یابد. (اشکال التناسل الشعری شعر البیاتی نمودجا، طعمه حلبی: ص ۶۴) جملاتی از قرآن کریم که با مقداری تغییر و ساختارشنکی در متن مقامات حمیدی آمده است و به نوعی تداعی‌گر حل می‌باشد به عنوان بینامتنیت کامل تعدیلی معرفی میشود.

تجزیه بینامتنی	مقامات حمیدی (متن حاضر-پسامتن)	قرآن کریم (متن غایب-پیش‌متن)
در این جمله اعمال تغییر جزئی (تبدیل صیغه متکلم مع الغیر به مفرد مذکر غایب) انجام یافته است.	وَأَنْزَلَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَجَاجَا (ص ۱۹)	وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَجَاجَا ﴿نبا ۱۴﴾
در متن حاضر مفرد مذکر غایب تبدیل به جمع مذکر غایب گردیده است و به تبع فعل، مضاف الیه مفعول نیز جمع شده است.	قَالُوا قَضُوا نَحْبَهُمْ جُلًّا وَ قَاطِبَةً (گفتند). (ص ۵۰)	مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا ﴿احزاب ۲۳﴾
متن حاضر با تأسی از متن غایب، با مقداری ساختارشنکی و تغییر، همان معنی را به وجود آورده است. با این	وَأَنْفِقُوا مَالِي فِي الْكِسَابِ الْمُحَامِدِ (و دارایی خود را در به دست آوردن خصال نیک خرج خواهیم کرد). (ص ۱۱۹)	مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِثْقَالٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن

<p>توضیح که: فعل جمع مذکر غایب «ینفقون» به متکلم وحده «انفق» تبدیل شده و مفعول جمع «اموال» به مفرد «مال» تبدیل شده و ضمایر متناسب با فعل استفاده شده است. (هم به سی)؛ در ادامه نیز، به جای فی سبیل الله، فی اکتساب المحامد استفاده شده است که خودش فی سبیل الله است.</p>		<p>يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿بقره ۲۶۱﴾</p>
<p>در متن حاضر، به جای لم أتخذ، فعل ماضی با تأکید لاتتخذت آمده که هر دو متکلم وحده‌اند و به جای فلاناً، ابابکر انتخاب شده و واژه خلیلاً نیز تکرار شده است.</p>	<p>لَوْ كُنْتُ مُتَّخِذًا خَلِيلًا لَاتَّخَذْتُ أَبَابَكِرًا خَلِيلًا (اگر دوستی انتخاب می‌کردم، ابوبکر را انتخاب می‌کردم) (ص ۱۳۱)</p>	<p>يَا وَيَلَّتْ لِي تَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿فرقان ۲۸﴾</p>
<p>در متن حاضر که عوام را مثل چهارپایان دانسته است، در متن غایب نیز البته بدون ذکر واژه عوام، توضیح آن را (به همان شکل که زیرش خط کشیده شده است) آورده است.</p>	<p>العوام كالأنعام از ستوران بدایت کردن، کار کوران است. (ص ۱۶۳)</p>	<p>وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا ءَأَذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿اعراف ۱۷۹﴾</p>
<p>در متن حاضر، به</p>	<p>که حلیف مناجات دیگر</p>	<p>وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فِإِذَا</p>

<p>جای اُمَّة از قوم و به جای اَجَل، واژه یوم استفاده شده که به همان معنی است.</p>	<p>است و حریف خرابات دیگر. وَ لِكُلِّ قَوْمٍ يَوْمٌ (ص ۱۸۰)</p>	<p>جَاءَ أَجْلُهُمْ لَأَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿اعراف ۳۴﴾</p>
<p>در متن حاضر، فعل و مفعول به وسط جمله منتقل شده «يُدْرِكُكُمْ» و به جای فاعل «موت»، «حادث الموت» آمده و یک جمله حالیه «و هو حق» اضافه شده است. اینما تکنونوا نیز از ابتدا به انتهای جمله منتقل شده است.</p>	<p>و حادث الموت- و هو حَقُّ / يُدْرِكُكُمْ أَيَّمَا تَكُونُوا (ص ۱۹۹)</p>	<p>أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ... ﴿نساء ۷۸﴾</p>
<p>موارد دیگر:</p> <p>﴿انعام ۱﴾ در (ص ۱۹)، ﴿روم ۴۱﴾ در (ص ۲۶)، ﴿مریم ۱۵﴾ در (ص ۹۳)، ﴿احزاب ۵۶﴾ در (ص ۶۵)، ﴿فصلت ۱۰﴾ در (ص ۷۰)، ﴿رعد ۲۴﴾ در (ص ۹۶)، ﴿نمل ۶۳﴾ در (ص ۱۲۹)، ﴿نساء ۳۷﴾ در (ص ۱۶۶)، ﴿انعام ۳﴾ در (ص ۱۸۱)، ﴿آل عمران ۱۰﴾ و ﴿یونس ۱۰۱﴾ و ﴿مجادله ۱۷﴾ در (ص ۱۸۵)</p>		

۱-۳- بینامتنیت کامل تبدیلی با اثرپذیری از اسلوب قرآن کریم در جمله بندی

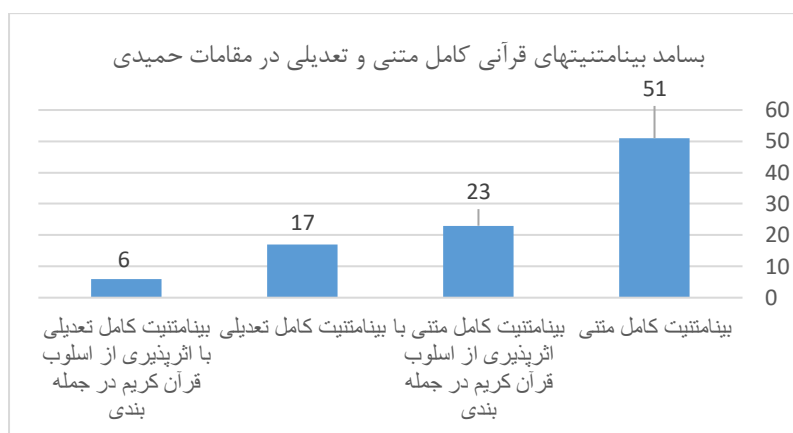
مؤلف مقامات حمیدی برای ایجاد توازن و هم وزنی بین عبارت خودش و عین عبارت قرآنی، سبکی را ایجاد کرده است. بدین شرح که در قبل یا بعد از عبارت قرآنی جمله یا جملاتی به سبک و سیاق و هم وزن و قافیه با عبارت قرآنی آورده است.

<p>تحلیل بینامتنی</p>	<p>مقامات حمیدی (متن حاضر- پسامتن)</p>	<p>قرآن کریم (متن غایب- پیش متن)</p>
<p>در متن حاضر با ساختارشکنی جزئی، به جای «الله» ضمیر «ه» به کار رفته و بر دوام این توکل، با «فی جیئهُ و</p>	<p>نَشْهَدُ بِهِ لَا عَنِ إِرْتِيَابٍ وَ نُؤْمِنُ بِهِ لَا عَنِ إِخْتِلَافٍ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ فِي جِيئُهُ وَ ذَهَابٍ (ص ۱۹)</p>	<p>وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ... ﴿ابراهیم ۱۲﴾ / همچنین آل عمران ۱۲۲</p>

<p>ذهاب» تأکید شده است. در ۲ جمله قبل از آن، سعی شده سیاق جملات بر پایه واژه‌های متن غایب باشد.</p>		
<p>در متن حاضر، به جای اِنَّا لَا نُضِيعُ، از عبارت اِنَّا اللَّهُ لَا نُضِيعُ استفاده شده است که عین مطلب با ساختارشکنی بازگویی شده است. در جمله ماقبل نیز بر سیاق و وزن این جمله، به صورت نهی، جمله دیگری آمده است.</p>	<p>فلا تقطعوا عن الإحسان أَمْلاً فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (ص ۲۷)</p>	<p>إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿كهف ۳۰﴾</p>
<p>با مقداری ساختارشکنی در عبارت قرآنی، با آوردن حرف مشبیهة بالفعل «أَنَّ» و پش و پیش کردن ناصح و امین و نیز اضافه نمودن ضمیر «کم» به آخر این دو واژه جمله جدیدی درست کرده است.</p>	<p>اعلموا أُنِي امِينُكُمْ وَ نَصِيحُكُمْ وَ فِي هَذَا الدَّاءِ الْعَضَالِ مَسِيحُكُمْ [بدانید همانا من مورد اعتماد و ناصح شما هستم و در این درد مسیح و درمانگر شمايم] (ص ۴۱)</p>	<p>أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿اعراف ۶۸﴾</p>
<p>جمله فعلیه به جمله امری منفی (نهی) مبدل شده، در نتیجه یَنْقُضُونَ به لا تَنْقُضُ تبدیل شده است. عهدالله به عهدنا مبدل گشته و میثاق نکره (مضاف به ضمیر هـ) با ال تعریف به المیثاق تبدیل شده است. نکته دیگر این که قسمت اول عبارت (لَا تُبْطِلُ فِيهِ جُهْدَنَا) بر وزن و سیاق مابقی جمله</p>	<p>لَا تُبْطِلُ فِيهِ جُهْدَنَا وَ لَا تَنْقُضُ مِنْ بَعْدِ الْمِيثَاقِ عَهْدَنَا (ص ۷۳)</p>	<p>الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أَوْلِيَاكَ هُمْ الْخَاسِرُونَ ﴿بقره ۲۷﴾</p>

<p>که تغییر یافته از عبارت قرآنی مزبور است، آمده است.</p>		
<p>در جمله اسمیه‌ی متن غایب، از حرف مشبیه بالفعل «إن» با اسم و خبر (الله و-فالق) استفاده شده لیکن در عبارت متن حاضر، ابتدا واو قسم آمده و موصول به کار رفته و جمله فعلیه با فعل‌سازی از اسم «إن» <فالق> «فَلَقَ» و به سبب این فعل‌سازی، حب و نوى به صورت مفعول منصوب واقع شده اند و قسمت دوم نیز بر وزن این جمله و به سیاق آن، دارای فعل متعدی و ۲ مفعول بر وزن مفاعیل عبارت اول آمده است.</p>	<p>وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّ وَالنَّوَى وَ أَنْطَقَ الضَّبُّ وَالْحَصَى (ص ۹۶)</p>	<p>إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَمُخْرِجُ الْمَمِيتِ مِنَ الْحَيِّ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَآنِي تُؤَفِّكُونَ ﴿٩٥﴾ انعام ۹۵</p>
<p>مورد دیگر: ﴿هود ۷۳﴾ در (ص ۱۳۸)</p>		

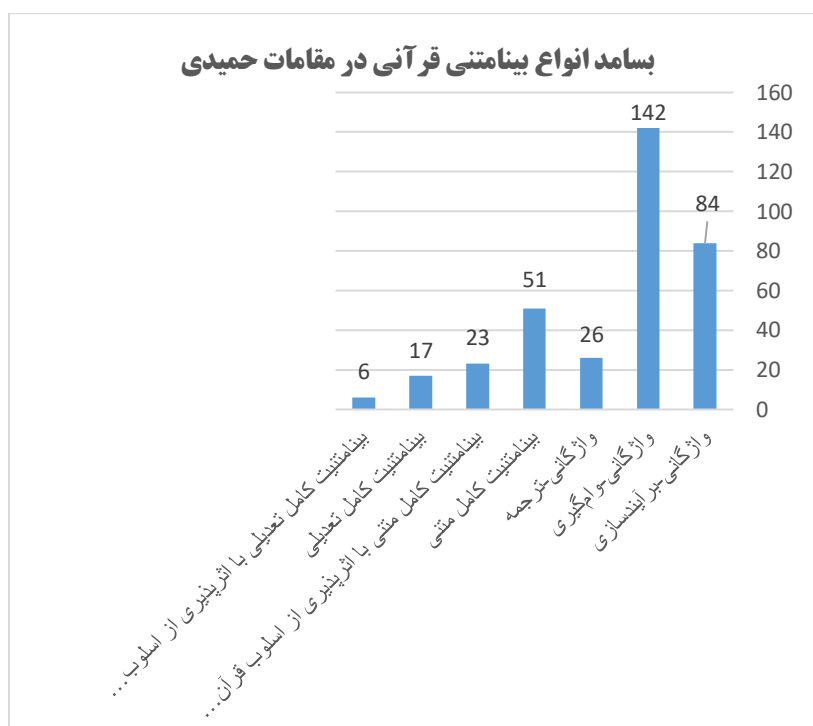
همان گونه که در نمودار زیر نیز مشاهده میشود، مؤلف مقامات حمیدی در آوردن عین عبارات قرآنی سعی وافری داشته و سبک وی در آوردن جمله‌هایی در پیش و پس عبارات قرآنی، منحصر به فرد میباشد. وی کمتر علاقه به ساختارشکنی در متن قرآن داشته و در مواقعی که تغییراتی در ظاهر متن قرآنی داده است، به ندرت از سبک خود (آوردن جمله و واژه‌ها با سیاق آیه قرآنی) استفاده کرده است.



نتیجه گیری

در بررسی تمامی جملات و واژه‌های مقامات حمیدی مشخص گردید که این اثر فاخر و البته نثر متکلف و مصنوع قرن ششم هجری قمری، یکی از آثاری است که دارای بسامد بالا در زمینه بهره‌گیری از آیات قرآن کریم می‌باشد، نتیجه این بررسیها همانگونه که در نمودار زیر قابل مشاهده است، نشان میدهد در بخش واژگانی بیشترین تأثیرپذیری از قرآن کریم، در حوزه وام‌گیری بوده و برآیندسازی و ترجمه در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد. در حوزه متنی نیز بیشترین تأثیرپذیری، در بخش بینامتنیت کامل متنی، بوده است. بینامتنیت کامل متنی با اثرپذیری از اسلوب قرآن کریم در جمله بندی و بینامتنیت کامل تعدیلی، در رتبه‌های بعدی قرار گرفته و نهایتاً نیز بینامتنیت کامل تعدیلی با اثرپذیری از اسلوب قرآن کریم در جمله بندی به تعداد اندک بوده است.

فراوانی بیشتر بینامتنیت واژگانی وام‌گیری به عنوان فرضیه نخست تحقیق در حوزه متنی اثبات شد ولی به دلیل رابطه مستقیم غنای متن حاضر در اثر استفاده بیشتر از قرآن کریم، جز در اندکی از موارد رد می‌گردد.



منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- ادبیات تطبیقی، تعریف و زمینه‌های پژوهش، نظری منظم، هادی. (۱۳۸۹)، نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره ۲، ص ۲۲۱-۲۳۷
- آشکال التناس الشعری شعر البیاتی نموذجاً، طعمه حلبی، احمد. (۲۰۰۷)، مجله الموقف الأدبی، العدد ۴۳۰، ص ۶۰-۸۳
- بینامتنیت، گراهام آلن. (۱۳۸۰)، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۸)، تهران، انتشارات فردوس
- تاریخ تطور و مختصات و نقد نثر پارسی از آغاز تا پایان قرن هفتم، خطیبی، حسین. (۱۳۹۰)، فن نثر در ادب پارسی، تهران، زوآر
- تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، حلبی، علی اصغر. (۱۳۸۹)، تهران، اساطیر
- تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، راستگو، سید محمد. (۱۳۹۲)، تهران، سمت
- ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها، نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶)، پژوهشنامه

علوم انسانی، شماره ۵۶

- تفاوت سبک شخصی مقامات حمیدی و حریری (با بررسی مقامه شتویه)، ستوده، غلامرضا و شهرامی، محمدباقر. (۱۳۸۸)، ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال دوم، شماره ۴، ص ۱-۱۴

- درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها، نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰)، تهران، سخن
- روشهای ویژه سروری در شرح قرآنی مثنوی مولوی و استفاده از بینامتنیت آنها، نوریان، بیتا. (۱۳۹۹)، ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال سیزدهم، شماره ۳، ص ۳۹-۵۸

- سبک‌شناسی، تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، محمدتقی. (۱۳۷۰)، تهران، امیرکبیر

- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳)، تهران، نشر میترا

- گونه‌شناسی بیش‌متنی، نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۱)، فصلنامه پژوهشهای ادبی، سال ۹، شماره ۳۸، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس

- مقامات حمیدی، بلخی، قاضی حمیدالدین. (۱۳۹۴)، تصحیح رضا انزابی‌نژاد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

- میخائیل باختین، زندگی، اندیشه و مفاهیم بنیادین، غلامحسین زاده، غریب و نگار غلام‌پور. (۱۳۸۷)، تهران، روزگار،